

عقاید دیگران

درباره

تاریخ و فلسفه اسلام

«گستاو لوبون» دانشمند بنامی است که در سال ۱۸۴۱ میلادی در شهر «نوژان لو رترو» (۱) یکی از ایالت نشینهای فرانسه با بعرضه حیات نهاد و در سال ۱۹۳۱ میلادی مطابق با ۱۳۱۰ شمسی در پاریس وفات یافت. وی بیشتر بخاطر آثارش که دارای جنبه‌های قوی علمی و اجتماعی و مذهبی است شهرت یافته است.

مشهورترین این آثار عبارتست از: «قوانین تبدلات ملل»، «روح اجتماع»، «روحیات سوسیالیسم»، «روحیات تربیت»، «روحیات سیاسی»، «آراء و عقاید»، «زندگی حقایق»، «بی‌اعتدالی عالم»، «اتکامل کنونی عالم»، «تعلیمات روحی زمان جنگ» و، و، و.

این آثار اکثر بزرگانهای انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، پرتغالی، دانمارکی، سوئدی، روسی، لهستانی، عربی، ترکی، اردو، ژاپنی و فارسی ترجمه شده است.

ابتدای کار: گستاو لو بون نخست در علم طب تحصیل کرد و پس از فراغ از تحصیل بکار طبابت پرداخت ولی اوعقیده داشت که معالجه بدن‌ها کافی نیست بلکه باید روحیات افراد را معالجه کرد. بدینجهت قدم در راه تحقیقات اجتماعی نهاد و این دوجنبه را بهم آمیخت. او معتقد بود که: «انسان در اجتماع زندگی میکند و در میان اجتماع رفجور و بیمار

کمتر شخص منصفی است که از مکتب و مشرب و فلسفه اسلام اطلاعاتی داشته باشد و برحقانیت و استحکام مبانی آن صحه نگذارد.

متدینین بدین اسلام اگر درباره ارزش و استحکام قوانین اسلام سخن بگویند در مظان این اتهامند که مداح کیش خویشند، ولی وقتی مطلعین منصفی که خود پیرو دینی جز اسلامند مبانی دین اسلام را در ترازوی انصاف می‌سنجند و جنبه‌های عمیق اجتماعی و انسانی آنرا صادقانه می‌ستایند، خرده‌گیران و بدبینان و کم‌خردان را جرأت آن نیست که ندانسته و نسنجیده نویسندگان اسلامی را بتعصب یا دفاع از کیش خویش متهم کنند.

گویندگان و نویسندگان زیادی از ادیان مختلف که در خصوص تاریخ اسلام و مسائل فقهی و فلسفی آن عمیقاً مطالعه و بررسی کرده‌اند، صریحاً دین اسلام را کامل‌ترین و اجتماعی‌ترین ادیان عالم شمرده‌اند و دستورات آنرا منطبق بر روحیات و مقتضیات زمانها و اجتماعات مختلف دانسته‌اند.

یکی از این نویسندگان بزرگ «گستاو لوبون» فرانسوی دانشمند مسیحی مذهب است که در تاریخ و فقه اسلامی مطالعات عمیقی دارد و ما بر آنیم که نمونه‌هایی از نظرات او را بنظر خوانندگان محقق خود برسانیم.

لازم دانستیم برای اینکه بیشتر باروحیه این مرد آشنا شویم قبلاً خلاصه‌ای از زندگی و شرح حالش را بنگاریم و سپس بنقل پاره‌ای از نظرات او پردازیم:

گستاو لوبون کیست؟

میشود، جامعه روح وی را رنجور میسازد و آن روح بیمار است که تن را دردمند میکند. پس طبیب پیکر باید پزشک روان هم باشد».

بر خورد بعقاید جدید: در فلسفه جدید فصل نوینی گشوده شده است که آنرا معرفت‌الروح یا «روانشناسی» و باصطلاح اروپائیان «پسیکولوژی» نام نهاده‌اند.

این مبحث فصل مشترکی بین طب و فلسفه است که بین نظرات فلاسفه و تحقیقات اطباء ایجاد ارتباط میکند. بدینمعنی که اطباء از «محسوسات» استفاده میکنند و حکما از «معقولات» و سر دسته محققین در این رشته «ویلیام جیمز» آمریکائی و «فروید» اطریشی هستند.

مطالعه همین مسائل گوستاولوبون را برانگیخت تا دامنه تحقیقات خود را در اینخصوص وسعت دهد و نتایج تحقیقات خود را بگنجینه دانش بشری ارزانی دارد.

عزم سفر: چون سیر در آفاق و انفس بهترین و مطمئن‌ترین وسیله تحقیق برای محقق است، بدینجهت وی بنقاط مختلف گیتی سفر کرد و درباره خصوصیات و روحیات افراد و چگونگی مؤسسات و سازمانهای اجتماعی و مظاهر حیاتی آدمیان تحقیق و دقت کافی نمود و در هر سفر کتاب جامعی برشته تحریر کشید، که باید کتب زیر را بعنوان نمونه نام برد:

«انسان و جامعه»، «سفر به نپال»، «نخستین تمدنهای مشرق»، «تمدن عرب» و «تمدن هندوستان».

گوستاولوبون دانشمند ارزنده‌ای است که در علوم طبیعی و تجربی نیز تحقیقات کاملی کرده و در خدمت معلوم جدید سهمی شایسته دارد.

بخاطر اینهمه آثار گرانبها و زحمات متمادی است که وی در میان علمای اسلام قدومزنی دارد و تحقیقات منصفانه او در باره اسلام برای این قدومزنی افزوده است.

گوستاولوبون در خصوص منابع اطلاعات علمی و ادبی مسلمانان میگوید:

هنگامی که مسلمین فتوحات خود را آغاز کردند، پرتوی

از دو تمدن ایران و روم شرقی در دنیا باقی بود و پیروان اسلام از این دو تمدن بسیار متأثر شدند و با قدمهای سریع باخذ علوم و فنون متعلقه بآن اقدام کردند. مسلمانان همچنانکه استعداد خود را در فتوحات بروز دادند در تحصیل علوم و فنون و کسب هنر نیز ابراز داشتند.

خلفای اسلام بعد از تحکیم مبانی حکومت، بلافاصله مراکز دهرهای بزرگ برای تعلیم و تربیت تأسیس کردند و تمام فضلا و علمائی را که از عهده ترجمه کتب مشهوره خاصه تصانیف یونان برمیآمدند، جمع آوری نمودند و نظربه پیش آمد و اسباب خاصی، جمع آوری این علما هم برای ایشان نهایت درجه سهل و آسان بوده است چه علوم و فنون یونان از مدتها قبل

در ایران و شام منتشر شده بود. یعنی از وقتیکه علمای مذهب مسطوری را از قلمرو روم شرقی اخراج نمودند آنان در شهر (ادس) واقع در عراق عرب مدرسه‌ای تأسیس نمودند و باشاعه علوم یونان پرداختند.

زمانیکه یکی از امپراطوران روم بنام (زنسون ایزوری)^۱ ادس را منهدم کرد پادشاهان ساسانی این علما را بدربار خود دعوت نمودند و وقتیکه ژوستین آموزشگاههای آنن و اسکندریه را بست تمام فضلا و اساتید آنجا هم بسمت ایران رهسپار گردیدند و مورد استقبال و نوازش سلاطین ایران قرار گرفتند و ایشان کتب و تصانیف یونان را که از آنجمله تصانیف: **ارسطو**، **جالینوس**، **دیوس کورید**^۲ بود بالسنة شرقی مثل سریانی، کلدانی و غیره که آنوقت شایع بود ترجمه کردند.

مسلمین وقتی شام و ایران را گرفتند در آنجا قسمتی از ذخایر علوم یونان را بدست آوردند. آنان کتب سریانی را بعبری ترجمه کردند و کتبی را هم که تا آنوقت ترجمه نشده بود بعبری برگرداندند و حاصل کلام آنکه با استعداد عجیبی بتحصیل علم و ادب مشغول بودند.

اینان تا چندی بهمین تراجم قناعت کردند، سپس کتب اصلی خصوصاً کتب قدیمه یونان را بدست آوردند و بتعلیم و تعلم آن مشغول گشتند ولی نظربقوه ابداع و اختراع و نیز جوش و حرارتی که در آموختن علم و هنر در آنان وجود داشت باین حالت تقلید و

1— Edesse

2— Zenon L' isauri

3— Dioscoside

رتبه شاکردی که اروپا قرون وسطی بآن قانع بود قناعت نکردند و در اسرع وقت از این دایره محدود قدم بیرون گذاشته و پا بدایره تحقیق نهادند. مسلمین جدیدی که در فراگرفتن علوم از خود بروز دادند حقیقتاً حیرت‌انگیز بود. البته اقوامی در دنیا یافت میشوند که میتوانند در این خصوص با آنان همدوشی کنند و در ردیف ایشان قرار گیرند، ولی نمیتوان قومی را در این میانه پیدا کرد که در این امر بر آنان تقدم حاصل کرده باشد. آنان هر وقت شهری را میگرفتند اولین اقدامشان بنای مسجد و آموزشگاه بوده است. در شهرهای بزرگ آموزشگاههای زیادی وجود داشته است چنانکه بنجامین تودل (۱) که در سال ۱۱۷۳ میلادی وفات کرده مینویسد: «من در اسکندریه تنها ۲۰ آموزشگاه را دیدم که دایره

بود.» علاوه بر آموزشگاههای عمومی، در بغداد، قاهره، طلیطه، قرطبه و غیره دانشگاههایی تأسیس شده بود که در آنها لایرتوار، رصدخانه، کتابخانه های بزرگ و سایر آلات و ادوات تحقیق مسائل وجود داشت چنانکه در اندلس هفتاد کتابخانه عمومی موجود بود. بموجب اقوال مورخین اسلام در قرطبه در کتابخانه الحاکم دوم ششصد هزار جلد کتاب وجود داشت که ۴۴ جلد آن مخصوص فهرست کتابخانه بوده است در این مورد چقدر درست گفته اند که شارل عاقل در ۴۰۰ سال بعد که کتابخانه دولتی پاریس را تأسیس نمود بعد از زحمت های زیاد فقط توانست نهصد جلد کتاب جمع آوری کند که يك ثلث آنها کتابهای مذهبی بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی